

مقاله پژوهشی: معرفی ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص

مصلحت نظام مبتنی بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

[20.1001.1.24234621.1400.111.42.12.7](https://doi.org/10.1001.1.24234621.1400.111.42.12.7)

داود فیاضی^۱، ناصر پورصادق^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۶

چکیده

مجمع تشخیص مصلحت نظام نهادی سیاست‌گذار و از ابتکارهای ماندگار امام خمینی (رضوان‌الله) است که سیاست‌گذاری، تشخیص مصلحت و رفع معضلات و بن‌بست‌شکنی در نظام در مقابل نیازهای جدید را بر عهده دارد. مسئله اساسی این تحقیق، شناسایی، تحلیل و دسته‌بندی ارکان جهت‌ساز «دکترین»، «اهداف»، «سیاست‌ها» در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص می‌باشد. این تحقیق کاربردی و توسعه‌ای بوده و از لحاظ روشی از دسته پژوهش‌های آمیخته بوده که از روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی استفاده می‌شود و محتوای اندیشه و فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در اداره امور مجمع، در قالب کدهای باز، محوری و انتخابی تدوین و ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی اداره امور مجمع استخراج می‌گردد. جامعه‌آماری شامل کلیه اسناد و مدارک بالادستی مرتبط با اندیشه‌ها، آراء، نظریات، رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است که بدون نمونه‌گیری و به‌صورت تمام‌شماری است. بر اساس نتایج تحقیق، ارکان جهت‌ساز اداره امور مجمع تشخیص مصلحت در اندیشه ایشان عبارت‌اند از دکترین در قالب مجمع، عامل بن‌بست‌شکنی و افزایش کارایی نظام، اهداف شامل هدف مستشاری در قالب مجمع مستشار عالی رهبری، هدف مستقل شامل تشخیص مصالح در مجمع و هدف تفویضی شامل نظارت و سیاست‌ها شامل الزام کارایی مجمع با تقویت کارشناسی و چابکی ساختار و الزام برای فعال بودن اعضا دسته‌بندی می‌شوند.

کلید واژه‌ها: مجمع تشخیص مصلحت، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مصلحت، قانون اساسی، الگوی راهبردی، اداره امور، ارکان جهت‌ساز.

۱. نویسنده مسئول دکتری آینده‌پژوهی d.fayyazi@chmail.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

مقدمه

با تصویب قانون اساسی و رویدادهای پُرشتاب بعد از پیروزی انقلاب و تنوع معضلات پیچیده و نظرات گوناگون پیرامون چگونگی شیوه اجرایی اعمال حق حاکم اسلامی در موارد احکام حکومتی، منجر به بروز اختلاف نظر فی‌مابین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در برخی از طرح‌ها و لوایح مصوب مجلس شد که در نتیجه آن موارد متعددی از مسائل مهم جامعه دچار بلا تکلیفی گردید که در چند مورد با دخالت امام بن‌بست‌ها شکست. از آنجا که ادامه این امر، جامعه نوپای اسلامی را دچار بحران‌ها و معضلات دیگری می‌نمود، بنیان‌گذار دوران‌دیش انقلاب اسلامی، در صدد تعیین مرجعی برآمدند که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی با تشخیص مصلحت نظام و جامعه، حکم حکومتی را بیان نماید که در نهایت بنابر درخواست جمعی از مسئولین نظام، فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در اواخر سال ۱۳۶۶، از سوی ایشان صادر و به دنبال آن در بازنگری قانون اساسی، جایگاه حقوقی نهاد مجمع تشخیص تعیین شد. مجمع تشخیص مصلحت نهادی است که با سیاست‌گذاری و تشخیص مصلحت و رفع معضلات، بن‌بست‌شکنی در نظام در مقابل نیازهای جدید حکومت دینی و حل مسائل راهبردی که از طریق عادی و قانونی برای آن‌ها راه‌حلی نمی‌باشد را بر عهده دارد. مجمع تشخیص مصلحت بر اساس این دیدگاه که تشخیص مصلحت حق ولی‌فقیه است ولی او در این کار از دیگران کمک می‌گیرد، شکل گرفت (ارسطا، ۱۳۸۰: ۲۴).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز از مجمع به‌عنوان حسنه ماندگار امام راحل نام برده و بر نقش راهبردی آن تأکید می‌نماید؛ اما با گذشت بیش از سه دهه از عمر پربرکت این نهاد در نظام جمهوری اسلامی ایران، هنوز تحقیقی پیرامون ارکان جهت‌ساز اداره امور مجمع تشخیص مصلحت نظام در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) انجام نشده و نارسایی در استنباط روشن از اندیشه و رویکرد ایشان در خصوص مجمع تشخیص مشهود است. اهمیت این پژوهش آن است که اصول و عناصر حاصل از مطالعات و یافته‌های آن می‌تواند الگویی را بر اساس نظرات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) برای اداره آینده مجمع تشخیص

مصلحت جهت استفاده تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اجرایی ارائه نماید. بدون داشتن الگوی راهبردی در اداره امور مجمع، مدیریت امور مجمع، سردرگم و فاقد یکپارچگی خواهد بود و می‌تواند به حرکت جزیره‌ای ذی‌نفعان در مجمع و ناکارآمدی اداره آن بیانجامد. از این رو، لزوم شناخت اندیشه‌ها، آرا و تدابیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان ارکان جهت‌ساز برای تدوین الگو، ضرورتی انکارناپذیر است. در نتیجه هدف این تحقیق کشف و تبیین ارکان جهت‌ساز در الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص مصلحت مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است. سؤال اصلی آن است که ارکان جهت‌ساز برای تدوین الگوی راهبردی در اداره امور مجمع تشخیص مصلحت، بر اساس آرا و اندیشه‌ها و تدابیر ایشان کدام است؟

پیشینه‌شناسی تحقیق

با وجود آنکه الگوسازی و ارائه آن در قالب صدور مفاهیم و تجربیات انقلاب اسلامی از تأکیدات و دغدغه‌های مسئولین نظام بوده، با این حال تاکنون تحقیق و پژوهش جامع علمی نظام‌مند مرتبط با عنوان این مقاله انجام نشده است و به از برخی پیشینه‌های مرتبط اشاره می‌شود.

۱. دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس در تحقیقی با عنوان «جایگاه مصلحت در نظام سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۹»، در خصوص تعریف، جایگاه و منابع تشخیص مصلحت در نظام سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، مصلحت را امری اجتناب‌ناپذیر در متن اسلام می‌داند که خود را در نظام اسلامی به‌صورت ضرورت نشان داده و موجب تأسیس مجمع تشخیص مصلحت توسط امام راحل شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹: ۱).

۲. دهقان چکامی در رساله خود با عنوان «جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفری در ایران در دانشگاه تربیت مدرس» در سال ۱۳۸۸ در پاسخ به سؤال پژوهش خود مبنی بر آنکه ضابطه شرعی مصلحت در نظام قانون‌گذاری کیفری در جمهوری اسلامی ایران چیست و چه تفاوتی با فایده‌گرایی در حقوق عرفی دارد؟ این نتیجه را می‌گیرد که

مصلحت با عدالت رابطه دوسویه دارد. مصلحت‌گرایی در نظام قانون‌گذاری کیفری ایران بر مبنای منافع اخروی و دنیوی ولی فایده‌گرایی در حقوق عرفی مبتنی بر لذت و منافع دنیوی است (دهقان چکامی، ۱۳۸۸: ۳).

۳. علی‌اکبری در تحقیقی با عنوان «تدوین چشم‌انداز نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام» که در دبیرخانه مجمع تشخیص در خصوص چشم‌انداز ۲۰ ساله این نهاد با توجه به قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، رهنمودهای کلان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تحولات محیطی و تأثیرگذاری ذی‌نفعان انجام شد، آورده است: مجمع تشخیص مصلحت نظام در افق ۲۰ ساله خود، در جایگاه رفیع هیئت مستشاری عالی رهبری، نهاد ممتاز، منحصربه‌فرد، بلندپایه، کارساز، چاره‌اندیش، بن‌بست‌شکن، گره‌گشا و عامل پویایی و مظهر انسجام و اتحاد نظام بوده و به مثابه قوه عاقله و اتاق فکر و مرکز هدایت راهبردی و بازوی توانمند و برجسته رهبری در مدیریت درازمدت کشور، هندسه کلی عمل و اجرا را در چهارچوب سیاست‌های کلی نظام در کشور رصد نموده و با تشخیص مصالح عالی و موضوعات احکام ثانویه و حکومتی برای رهبری و نظام (سه قوه) تصمیم‌سازی و در مورد وظایف مصرح یا تفویضی با آمادگی کامل و به‌هنگام، تصمیم‌گیری می‌نماید (علی‌اکبری، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

۴. دهقان در تحقیقی با عنوان ارتقای کارایی مجمع تشخیص مصلحت در کمیسیون سیاسی دبیرخانه مجمع در خصوص راهبردهای ارتقای کارایی مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به قانون اساسی و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، در نهایت برخی از راهکارها و پیشنهاداتی را به شرح ذیل ارائه می‌دهد: برنامه‌بودجه هر ساله مجمع و دبیرخانه با توجه به وظایف محوله تنظیم و پس از تأیید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ردیف‌های مستقل در بودجه سالیانه لحاظ شود. عناوین سیاست‌ها محدود شود و سیاست‌ها به‌عنوان اسناد بالادستی تجمیع شوند. قوای سه‌گانه و دستگاه‌ها موظف به تأمین اطلاعات و انجام کارشناسی‌های مورد نیاز و ارائه گزارش در زمینه اجرایی کردن سیاست‌های کلی نظام باشند. شاخص‌های کلیدی پایش، سنجش و نظارت راهبردی سیاست‌های پیشنهادی به‌طور هم‌زمان توسط کمیسیون نظارت مجمع و با همکاری

دبیرخانه تهیه و به همراه سیاست‌های پیشنهادی تقدیم شود. پس از ابلاغ سیاست‌های کلی، الزامات اجرایی شدن سیاست‌ها توسط دبیرخانه با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و پس از تأیید مجمع ابلاغ شود (دهقان، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

۵. کیومرث اشتریان در تحقیقی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۷ با عنوان بازتعریف نقش نهادهای سیاست‌گذار در جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به سؤال پژوهش خود مبنی بر آنکه چرا بازشناسی و تدقیق مفاهیم مربوط به نظام سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ضروری است و این بازشناسی چه آثار حقوقی، سیاسی و اداری دارد؟ این نتیجه را می‌گیرد که تعریف استاندارد و مورد اجماعی از سیاست کلی وجود ندارد. از سویی نظام‌های سیاسی گوناگون هریک بر اساس نیازها و شرایط سیاسی- اداری خود می‌توانند برداشتی از سیاست کلی را مبنا قرار دهند. از سوی دیگر، ساختار سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران منحصر به فرد است و نظریه ولایت‌فقیه و سیاست‌گذاری توسط وی در ساختارهای سیاسی موجود یگانه است. به نظر می‌آید در نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست کلی معطوف به فلسفه سیاسی حکومت و ولایت‌فقیه باشد. فلسفه سیاسی حکومت و ولایت‌فقیه، تضمین اسلامی بودن نظام و اقامه قسط و عدل است. در یک کلام، نقش ولایت‌فقیه، هدایت اسلامی و نظارت بر عدم انحراف حرکت کلی نظام از دین است. این وظیفه، بر برداشت‌های موسع از دین در چهارچوب‌های شناخته‌شده فقه شیعه استوار است (اشتریان، ۱۳۸۷: ۲۷).

۶. در تحقیقی با عنوان «بررسی مفهوم مصلحت در قانون اساسی چند کشور منتخب» که توسط معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۷۳ انجام شده، در خصوص راه‌حل اختلاف بین قوای مختلف و مرجع تعیین مصلحت در قانون اساسی چند کشور منتخب، نتیجه‌گیری شده است که با ملاحظه نظام‌های حقوقی و قانون اساسی چند کشور مشخص گردید. در تمام این کشورها، راه‌حل‌های خاصی برای تعیین مصالح کشور و رفع اختلاف بین مجلس سنا، شورای قانون اساسی یا رئیس‌جمهور پیش‌بینی شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۳: ۵-۴).

۷. همچنین فقیه در مقاله علمی- پژوهشی در خصوص وظایف قانونی مجمع تشخیص مصلحت در نظام قانونی جمهوری اسلامی ایران، نتیجه‌گیری نموده است که وظایف قانونی مجمع تشخیص مطابق اصول قانون اساسی عبارت است از تعیین سیاست‌های کلی، حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، حل معضلات و موارد مصرح قانونی دیگر. در نتیجه ابهامی در خصوص جایگاه قانونی و حوزه وظایف مجمع وجود ندارد (فقیه ۱۳۸۴: ۳۴).

۸. رحمانی در مقاله علمی- پژوهشی با عنوان «مبانی فقهی و اصولی مجمع تشخیص مصلحت نظام» در خصوص جایگاه وظایف نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی نتیجه‌گیری نموده که بر اساس قانون اساسی، مهم‌ترین وظایف نهاد مجمع تشخیص مصلحت، عبارت است از: الف) حل معضلات نظام اسلامی، ب. حل و فصل اختلاف میان مصوبات مجلس شورای اسلامی و نظرات شورای نگهبان. احکام الهی بر محور مصالح و مفاسد واقعی تشریح شده‌اند. قاعده تبعیت احکام از مصالح و مفاسد که مورد قبول تمام فقهای اسلام است در انجام وظایف محوله به نهاد مجمع تشخیص مصلحت و کشف حکم حاکم است (رحمانی، ۱۳۹۰: ۴۵).

همچنین منبع یا مقاله علمی- پژوهشی خارجی مرتبط با این تحقیق یافت نشد. با بررسی پیشینه‌ها و تحقیقات مذکور مشخص شد به‌رغم آنکه مطالعاتی ارزشمند در خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت پذیرفته، ولی تاکنون تحقیقی در خصوص ارائه الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص انجام نشده و نوآوری این تحقیق آن است که برای اولین بار به تدوین ارکان جهت‌ساز این الگو می‌پردازد و تحقیقات در خصوص مجمع تشخیص را تکمیل می‌نماید.

مبانی نظری مصلحت

این تحقیق به دنبال شناسایی و تدوین ارکان جهت‌ساز در الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص است و از آنجایی که مجمع در قانون اساسی به حدود دوازده وظیفه می‌پردازد، در این تحقیق مفروض آن است که چهارچوب کلان فعالیت‌ها و امور اصلی که مجمع به آن‌ها می‌پردازد، همگی به لحاظ مفهومی در ذیل مفهوم مصلحت قرار می‌گیرد. به

دیگر سخن مجمع مأموریت‌های اصلی خود شامل حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان، تعیین و پیشنهاد سیاست‌های کلان و حل معضلات- و نظارت که تفویضی است- را در چهارچوب ظرفیت مصلحت انجام می‌دهد.

مصلحت در کتاب لغت‌نامه دهخدا (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۸۹: ۵۴۵) مقابل مفسده و مفسدت و در معنای صواب، اقتضای کار، صلاح و شایستگی به کار رفته است. منصورنژاد معتقد است مفهوم مصلحت هم در غرب سابقه‌دار است و هم در اهل سنت، قرن‌ها است که مورد ملاحظه و مطالعه بوده است، اما این مفهوم در نگرش سیاسی و حکومتی شیعی، پدیده‌ای کم‌سابقه و نوظهور است و به صورت کاملاً مشخص و محوری در جمهوری اسلامی ایران و از سوی امام خمینی (رضوان‌الله)، مورد بحث و تأکید قرار گرفته است (منصورنژاد، ۱۳۸۵: ۱۲). خسروپناه معتقد است پارادایم مصلحت به‌عنوان هسته کانونی تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح می‌باشد. قرائت‌های مختلف از این واژه ماهیت اعمال را تغییر می‌دهد. طرفداران مدرنیته در تفسیر این واژه به عنصر «سود تجربی» توسل جسته‌اند و هر عنصری که برآورنده سود تجربی نباشد را از دایره مصلحت بیرون می‌دانند. با چنین داوری سودانگاران، غالب ارزش‌ها و احکام دینی با مصلحت فرد در تعارض است. پس ناگزیر دین نیز باید در فرایند «اصلاح دینی»، دنیوی شود تا برآورنده مصلحت فرد و جامعه باشد. از سوی دیگر، اهمیت مصلحت در حکومت دینی و جایگاه ولایت فقیه که ناظر بر بحران‌های دنیای معاصر و مقتضیات جهانی کنونی است، دیدگاهی بوده که فقه سیاسی شیعه به‌نوعی بر آن پافشاری کرده است (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۹). هرچند در معنای مصلحت و تعریف آن اتفاق نظری وجود ندارد، اما برخی از فقهای شیعه در تعریف مصلحت آورده‌اند که مصلحت عبارت است از آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی یا هر دو موافق بوده و نتیجه آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد. با وجود اختلاف نظر، نقطه اشتراک در تعریف مصلحت این است که در معنای آن هم به جنبه «دنیوی» توجه شده است و هم به جنبه «اخروی». در یک تعریف جامع از مصلحت در امور حکومتی می‌توان گفت؛ مصلحت تدبیری است که دولت اسلامی به‌منظور رعایت منافع معنوی و مادی جامعه اسلامی در راستای اهداف شرع مقدس اتخاذ می‌کند. امام

خمینی (رضوان‌الله)، دولت اسلامی را مقدمه واجب ضروری می‌شمارد و به این موضوع اشاره دارد که اگر حکومت اسلامی تشکیل نشود، بسیاری از احکام و فرایض عبادی تعطیل می‌شود. به همین دلیل دولت اسلامی و حفظ آن از اوجب واجبات است و اگر اجرای احکام موجب وهن نظام اسلامی شود، حفظ نظام بالاترین مصلحت است و باید مقدم شود و آن احکام تعطیل شوند (خسروپناه، پیشین، ۱۶۵-۱۶۴). به هنگام تدوین قانون اساسی، حاکمیت شرع و قانون اساسی بر مصوبات مجلس، بدون تصور کمترین اشکال، پیش‌بینی شده بود و در رابطه طولی مجلس و شورای نگهبان، برای مجلس هیچ راهی جز تبعیت از نظر شورای نگهبان باقی نمی‌ماند. به این ترتیب، هرچند که دست مجلس برای تشخیص مصالح و مقتضیات کشور در امر تدوین قانون باز بود، اما در جریان عمل، به خاطر اعلام مخالفت‌های مکرر شورای نگهبان با مصوبات مجلس، به دلیل مخالفت آن‌ها با شرع و اصرار مجلس بر ضرورت این مصوبات، این دو نهاد قانونی در عمل رو در روی یکدیگر قرار گرفتند. به عبارت بهتر «مصالح نظام» در مقابل «موازن شرعی» به نحو قابل توجهی خودنمایی نمود. اولین بازتاب سازنده برای حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان، موضوع احکام اولیه و ثانویه بود که نزد امام خمینی^(۵) مطرح گردید. در سال ۱۳۶۰ ریاست مجلس شورای اسلامی وقت، در خصوص اراضی شهری، با ذکر اینکه بعضی از قوانین مصوب به لحاظ تنظیمات کل امور و ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفاسدی است که برحسب احکام ثانویه به‌طور موقت باید اجرا گردد، از مقام رهبری کسب تکلیف نمود. در پاسخ مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ به مراتب مذکور آمده است: (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۳۸) «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران دخالت دارد که فعل یا ترک فعل آن موجب اختلال نظام می‌شود. پس از تشخیص موضوع به‌وسیله اکثریت دوسوم وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقتی بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خودبه‌خود لغو شود» در تصویب و اجرای آن مجازند. به این ترتیب، دست مجلس شورای اسلامی در این قبیل مسائل باز شد. از آنجا که ادامه این امر، جامعه نوپای اسلامی را دچار بحران‌ها و معضلات دیگری می‌نمود، فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان مرجع حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان از سوی امام صادر گردید.

به‌رغم وجود تجربه نهادهایی مانند شورای قانون اساسی یا دادگاه قانون اساسی در برخی کشورها که متناظر شورای نگهبان در همه نظام‌های سیاسی دارای قانون اساسی هستند که به‌منظور حفاظت از اصول خود سازوکارهایی را پیش‌بینی می‌کنند تا قانون اساسی مورد غفلت قرار نگیرد و از مسیر اصلی خارج نشود، ساختار مجمع تشخیص مصلحت نظام سابقه‌ای به مفهوم حقوقی آن در سایر نظام‌های حقوقی دنیا ندارد و تأسیس آن به‌طور کامل برخاسته از مفاهیم مختص نظام اسلامی ایران است (لطفی، ۱۳۹۰: ۲۸۹) و برخی وظایف آن در قوانین اساسی کشورهای مختلف در حوزه تعیین مصالح و اجرای سیاست‌های کلی در نهادهای متنوعی در حوزه رئیس‌جمهور تا مجلس سنا ترسیم شده است (۱) با توجه به وظایفی که برای مجمع تشخیص مصلحت نظام شمرده شد و با عنایت به آنکه مجمع تشخیص مصلحت نظام در دنیا نمونه‌ای مشابه ندارد و مجمع، مجلس سنا، شورای قانون اساسی یا دادگاه قانون اساسی نیست که ساختار آن‌ها بررسی شود، به ناگزیر به بررسی مجمع در ساختار چند کشور پرداخته می‌شود.

۱. فرانسه

در فرانسه که دارای نظام نیمه‌ریاستی است، پارلمان از دو مجلس ملی و سنا تشکیل می‌گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۷۳: ۵-۴). مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی فرانسه، رئیس‌جمهور می‌تواند پس از مشورت با نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین، مجلس ملی را منحل نماید. در نظام حقوقی فرانسه، سه راهکار برای گریز از بن‌بست تعارض میان دو مجلس پیش‌بینی شده است: ۱- تشکیل کمیسیونی متشکل از نمایندگان دو مجلس، تا با تشریک مساعی به راه‌حل مرضی‌الطرفین نائل شوند. ۲- دخالت هیئت دولت و کسب نظر نهایی از مجلس ملی. ۳- مطابق اصل ۱۱ قانون اساسی فرانسه، روش دیگری که در موارد بسیار مهم و برای تشخیص مصلحت و منافع کشور به کار بسته می‌شود، استفاده از روش همه‌پرسی (رفراندوم) است. ابتکار عمل برای ارجاع امر به همه‌پرسی، در اختیار رئیس‌جمهور می‌باشد (علی‌اکبری، ۱۳۸۸: ۵۴)؛ در نتیجه حل معضلات نظام یا تعیین مصالح کشور در موارد اختلاف بین قوا با رئیس‌جمهور است.

۲. انگلیس

قانون پارلمان مصوب سال ۱۹۴۹ میلادی بیان می‌کند که اگر لایحه‌ای در مجلس اعیان رد شد، در صورتی که مجلس عوام در نشست سال آتی همان مفاد را تصویب کند، به صورت خودکار به قانون تبدیل می‌شود؛ دولت هر سه قوه را زیر نظر دارد و جدایی بین قوای مجریه، مقننه و قضائیه وجود ندارد. قدرت سیاسی در دست نخست‌وزیر و هیئت‌وزیران متمرکز است. نخست‌وزیر رئیس دولت است. سیاست‌گذاری در حیطه اختیار نخست‌وزیر و کابینه قرار دارد، نخست‌وزیر قادر به کنترل قانون‌گذاری می‌باشد و به این ترتیب حق حاکمیت مجلس اعمال می‌گردد (عطاری، ۱۳۸۷: ۲۰). در انگلیس مجلس لردها مصوبات مجلس عوام را که خلاف حقوق اساسی باشد، تصویب نمی‌کنند (همان: ۵۶).

۳. آمریکا

در ایالات متحد آمریکا نظام حکومتی فدرال و مرکب از ۵۰ ایالت است. قدرت بین دولت فدرال و ایالت تقسیم شده است. سه قوه مجزا هستند. برای اینکه یکی از قوا، قوای دیگری را تحت الشعاع قرار ندهد، نظام «کنترل و موازنه» به وجود آمد، مجلس کنترل بودجه را دارد و از تخصیص بودجه مدنظر رئیس‌جمهور می‌تواند خودداری کند، رئیس‌جمهور اگر قانونی را امضا نکند، آن قانون اعتبار نمی‌یابد. شکل و ساختار قدرت و حکومت به گونه‌ای است که امکان تجمع قدرت در یک نهاد و سپس صدور سیاست‌های کلان برای تمامی نهادها در حوزه‌های مختلف وجود ندارد، عرصه سیاست‌گذاری متکثر و در چند نهاد و حوزه پراکنده است (پالوج، ۱۳۹۱: ۱۶۱). قانون اساسی آمریکا، کنگره را عالی‌ترین و تنها نهاد قانون‌گذاری می‌شناسد که بر قوه مجریه نظارت دارد. طرح‌های مصوب کنگره و نیز جرح و تعدیل برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت دولت به‌عنوان جلوه‌ای از مداخله قوه مقننه در تنظیم سیاست‌گذاری‌های عمومی است (وحید، ۱۳۸۳: ۱۰۶). کمیسیون‌های کنگره با تدوین طرح‌های مختلف، مشارکت مستقیمی در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی دارد. کنگره دارای ویژگی ممتاز «عدم تمرکز» است. کنگره از دو مجلس نمایندگان و سنا تشکیل شده است. از جمله دلایل دومجلسی بودن، اندیشه کنترل

است. در کنگره اعضای مجلس نمایندگان و سنا یکدیگر را کنترل می‌کنند، جلوی تمرکز قدرت گرفته می‌شود (امجد ۱۳۸۸: ۲۰۹-۱۹۹). در آمریکا قضاات دیوان عالی، قوانین مصوب کنگره را با قانون اساسی تطبیق می‌دهند و همچنین مطابقت قوانین اساسی ایالات را با قانون اساسی و قوانین عادی دولت فدرال کنترل و نظارت می‌کنند و نهاد بلامنازع حافظ قانون اساسی است (علی‌اکبری، ۱۳۸۸: ۵۴). دیوان عالی آمریکا متشکل از نه قاضی، عالی‌ترین نهاد قضایی در این کشور و مرجع تفسیر قانون اساسی است. تصمیمات دیوان در خصوص مغایرت با قانون اساسی قطعی و غیر قابل تغییر است (حمیدی‌نیا، ۱۳۸۲: ۴۵).

در مورد مقایسه مجلس سنا با مجمع تشخیص مصلحت، به رغم وجوه تشابه ضعیف در برخی از موارد بین مجمع تشخیص و مجلس سنا، ولی مجلس سنا یا مجلس دوم در دیگر نظام‌ها، به معنای واقعی کلمه، مجلس قانون‌گذاری است. درحالی‌که مجمع تشخیص مصلحت، در اصل فاقد چنین صلاحیتی است و صلاحیت عام تدوین کلیه قوانین مورد نیاز جامعه، در انحصار مجلس قرار دارد. حتی تعیین سیاست‌های کلی نظام نیز از صلاحیت‌های مجمع تشخیص مصلحت نیست. مطابق بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام از صلاحیت‌های مقام رهبری است؛ اما مقام رهبری در حقیقت پس از گرفتن نظرات مشورتی، این سیاست‌ها را ابلاغ می‌کند. همچنین مصوبات مجمع برعکس مصوبات مجلس دائم و ثابت نیست و موقت بودن امر در مجمع، بهترین دلیل بر این است که مصوبات مجمع بر اساس «ضرورت» است (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۹۸-۱۹۶).

ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی

الگو در فرهنگ لغات فارسی، مترادف طرح آمده است. الگوی مطلوب، آینه تمام‌نمای اجزای اصلی و عمده پدیده مورد نظر می‌باشد و با نشان دادن روابط اصلی اجزاء، وسیله‌ای ساده و مناسب برای سیاست‌گذار به شمار می‌رود. مدل یا الگو یک چهارچوب ذهنی است که شامل مجموعه‌ای از عناصر و ارتباطات بین آن‌ها است و برای بیان یک پدیده به کار می‌رود و امکان پیش‌بینی آن را فراهم می‌سازد. عباس‌زادگان و ترک‌زاده معتقدند الگوی انتزاعی از واقعیت و ابزار تبیین و پیش‌بینی است و ابزاری برای معرفی یا توصیف یک

فرآیند به شمار می‌رود (عباس‌زادگان و ترک‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۷۷). صالح اصفهانی معتقد است الگو «چهارچوبی مشخص و متناسب است که محدوده‌ها را برای طی نمودن مسیر انجام کار تعیین کرده و می‌تواند تمامی فازها، مراحل اصلی، گام‌های هر مرحله و فعالیت‌ها را در خود معرفی نماید» (صالح اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۶). سلمانی می‌نویسد الگوی راهبردی، نمونه‌ای ذهنی و انسجام‌یافته از اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده یک پدیده راهبردی و چگونگی روابط آن اجزا با یکدیگر می‌باشد. الگوی راهبردی چهارچوبی است که فعالیت‌های مربوط به بررسی، ارزشیابی و انتخاب عوامل راهبردی، اتخاذ هرگونه تدابیر درونی و بیرونی سازمان را برای اجرای راهبردها و درنهایت کنترل فعالیت‌های انجام‌شده در برمی‌گیرد (سلمانی، ۱۳۸۸: ۱۴). تعریف عملیاتی الگو عبارت است از مدلی که فرآیند گام به گام تدوین اداره امور راهبردی یک حوزه را تبیین نموده و عوامل اصلی مؤثر در آن و همچنین روابط بین آن‌ها را مشخص نماید. حال در ادامه به تعریف محورهای سه‌گانه جهت‌ساز الگوی راهبردی پرداخته می‌شود:

دکترین: در جدول شماره ۱ مجموعه تعاریف واژه دکترین عبارت است از:

جدول شماره ۱: مجموعه تعاریف واژه دکترین (منبع محقق)

ردیف	تعریف	مؤلفه مورد تأکید	نشانی
۱	مکتب و آیین.	اصول	(دهقان، ۱۳۵۲: ۴۷)
۲	اصول عقیده، سیاست، آموزه و نظریه.	اصول	(طلوعی، ۱۳۷۲: ۴۵۸)
۳	درس گفتن و تعلیم دادن.	آموزه	(آندره، ۱۳۷۷: ۳۰۱)
۴	قواعد بنیادی هدایت‌کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌های سطوح مختلف.	قواعد بنیادی	(کالینز، ۱۳۸۳: ۴۹۱)
۵	مجموعه اصول و عقاید دینی یا علمی یا فقهی که منسوب به یکی از دانشمندان و یا مکتب خاصی.	مبادی فلسفی، آموزشی و دینی	(صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۰)
۶	دیدگاه، بیانیه، اصول، خط‌مشی، چگونگی عمل، راهنما، روش و ده‌ها عنوان دیگر تعریف گردیده است.	چگونگی عمل، راهنما	(عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۳۲)
تعریف عملیاتی دکترین: اصول و قواعد اساسی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری که به‌عنوان چتری برای اداره امور مجمع است.			

اهداف: جدول شماره ۲ مجموعه تعاریف واژه اهداف عبارت است از:

جدول شماره ۲: مجموعه تعاریف واژه اهداف (منبع محقق)

ردیف	تعریف	مؤلفه مورد تأکید	نشانی
۱	بیان نتایج مورد انتظار در محدوده زمانی خاص و با هزینه‌ای معین.	نتایج مورد انتظار، زمان، هزینه	رضائیان، ۱۳۸۴: ۱۱۲
۲	نتیجه نهایی فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده است.	نتیجه	حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۲۲۱
۳	هدف‌ها اساس تعیین فعالیت‌هایی هستند که باید انجام بگیرد و به ایجاد ضوابطی که برای ارزیابی کمی و کیفی فعالیت‌ها لازم است، کمک می‌کنند.	اساس تعیین فعالیت، ضوابط	کریم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۱
تعریف عملیاتی اهداف در این تحقیق: غایت‌ها و نتایج مورد انتظار از اداره امور مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)			

سیاست‌ها: در جدول شماره ۳ مجموعه تعاریف واژه سیاست‌ها عبارت است از:

جدول شماره ۳: مجموعه تعاریف واژه سیاست‌ها (منبع محقق)

ردیف	تعریف	مؤلفه مورد تأکید	نشانی
۱	سیاست‌گذاری عمومی به فعالیت‌های حکومت و مقاصد برانگیزنده این فعالیت‌ها اشاره می‌کند.	تصمیمات	برکلن، ۲۰۰۲: ۲۱
۲	عکس‌العملی به تقاضاها برای حل مشکلات و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اداری.	حل مشکلات	اشتریان، ۱۳۸۷: ۲۷
۳	راهنمای عمل در تعیین اولویت‌ها و معین کردن باید‌ها و نبایدها هستند و خطوط کلی در فعالیت‌ها و اقدامات بخش عمومی است.	تصمیمات، تعهدات و اقدامات	درور، ۱۹۹۸: ۱۴
۴	سیاست‌گذاری عمومی آن چیزی است که حکومت تصمیم می‌گیرد انجام دهد یا کنار بگذارد.	تصمیمات	دای، ۲۰۰۱: ۱
۵	تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود و فرآیندی است که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی اجرا می‌رسد؛ بنابراین فقط اتخاذ تصمیم نیست.	اقدامات هدفمند، مشکل	الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۵: ۲
۶	رهنمودهایی مدون برای راهنمایی، تفکر، تصمیم و اقدامات مدیران و فرودستان آن‌ها در اجرای استراتژی سازمان.	حل مسئله و اقتضانات محیط	پیرس و رایبسون، ۱۳۷۷: ۵۲
۷	اعمال هدفمندی که به‌وسیله بازیگر یا بازیگرانی در رابطه با یک موضوع دنبال شده و از مهم‌ترین ویژگی‌های آن پایداری، آینده‌نگری، واقع‌بینی و نمایانگری است.	بازیگران، پایداری، آینده‌نگری و واقع‌بینی	الوانی، ۱۳۸۶: ۲۵
تعریف عملیاتی سیاست‌ها در این تحقیق: مجموعه‌ای از اقدامات، باید‌ها، نبایدها و قوانین برای اداره امور مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) برای تحقق اهداف الگوی راهبردی.			

اندیشه‌ها، آراء، نظرات، تدابیر و ابلاغیه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت و نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام تدابیر، ابلاغیه‌ها، اوامر و بیاناتی متعدد ایراد نموده‌اند که با بررسی در نرم‌افزار ولایت و استخراج کلیه موارد، درنهایت نمونه کدگذاری باز آن‌ها به صورت جدول زیر می‌باشند:

جدول شماره ۴: نمونه کدگذاری باز ارکان سه‌گانه دکترین، اهداف و سیاست‌ها در اندیشه، تدابیر و ابلاغیه‌های امام خامنه‌ای (منبع محقق)

کد	جمله	مفهوم	تاریخ و منبع	بعد
۲۱۳	آنچه این مجمع و اصل مربوط به آن در قانون اساسی تضمین می‌کند، عبارت از پویایی و بن‌بست‌شکنی و گره‌گشایی از یک‌سو و ثبات سیاست‌های نظام از سوی دیگر است، هر دو نیازهای اساسی این کشور و این نظام است.	پویایی و بن‌بست‌شکنی و ثبات سیاست‌های نظام	بیانات مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۷ در دیدار اعضای مجمع	دکترین

الگوی مفهومی

با توجه به توضیحات ارائه‌شده در ادبیات تحقیق و با توجه به ماهیت کیفی تحقیق و با استفاده از نظریه مبنایی برای استخراج مفاهیم، زیرمؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها، عملاً الگوی مفهومی که در این بخش ارائه می‌گردد، چهارچوب اولیه عناصر الگو خواهد بود. بر این اساس، آنچه در شکل ۱ به عنوان الگوی مفهومی ارائه شده است، ساختاری اولیه و مقدماتی داشته، سپس نهایی می‌گردد.



شکل ۱: الگوی مفهومی کارویژه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام (محقق)

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی- توسعه‌ای است؛ چراکه دانش ضمنی و پنهان را درباره ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص مصلحت نظام مطابق اندیشه و تدابیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مدون می‌کند و توسعه می‌دهد و نتایج کارکردی این تحقیق در حوزه مدیریت راهبردی با تدوین دانش ضمنی و ارائه الگوی راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. در این تحقیق، از روش‌های متنوع کیفی نظیر تحلیل محتوا و نظریه‌پردازی به روش مبنایی (رویش نظریه‌ها) با استفاده از نرم‌افزار آثار امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بهره گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل اسناد و مدارک مربوط به موضوع تحقیق از جمله آثار، مکتوبات، بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌باشد که بدون نمونه‌گیری و به صورت تمام‌شماری است. مسیر کلی طی شده از بُعد روشی در شکل ۲ ارائه شده است.



روش کیفی مورد استفاده در این تحقیق نظریه مبنایی^۱ (داده‌بنیاد) است. در این روش، فرآیند ساخت یک الگو یا طراحی یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون است، صورت می‌گیرد (منصوریان، ۱۳۸۶: ۵). واژه «گراند»^۲ در «نظریه مبنایی یا گراند تئوری» نشان‌گر آن است که هر الگو یا نظریه‌ای که بر اساس این روش تدوین می‌شود، بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیاد نهاده شده است (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). پاول^۳ معتقد است این روش، نظریه‌ها، مفاهیم و قضایا را طی یک فرآیند منظم، به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی سایر پژوهش‌ها یا چهارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. این روش نسبتاً جدید نه بر مبنای نظر شخصی پژوهشگر که در واقع بر اساس داده‌های گردآوری شده از محیط و در شرایط واقعی تدوین می‌شود (۱۹۹۹: ۶۷). برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی سه اقدام کلی لازم است: (۱) آماده‌سازی داده‌ها؛ (۲) مطالعه دقیق داده‌ها؛ (۳) ایجاد طبقات. مجموعه این مراحل منجر به خرد کردن، مقایسه، مفهوم‌سازی، ادغام و طبقه‌بندی چندباره داده‌ها از کدها تا مؤلفه‌ها یا مقوله‌ها می‌گردد. این

1. Grounded Theory
2. Grounded
3. Powell

کار شامل مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و مؤلفه‌سازی طی فرآیند کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است (سید جوادین و اسفیدانی، ۱۳۸۹، ۳۲).

طبیعی است این تحقیق نیز مانند هر تحقیق علمی دیگر به اعتبارسنجی نیاز دارد. دانایی فرد درباره اعتبارسنجی در تحقیق داده‌بنیاد معتقد است که در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اعتبارسنجی بخشی فعال از فرآیند پژوهش است. برای مثال، در خلال روال تطبیق مستمر در کدگذاری باز، پژوهشگر بین داده‌ها و اطلاعات و مقوله‌های در حال ظهور، کثرت ایجاد می‌کند. همین فرآیند امتحان کردن داده‌ها در برابر مقوله‌ها، در مرحله کدگذاری محوری روی می‌دهد. پژوهشگر پرسش‌هایی مطرح می‌کند که مقوله‌ها را ربط می‌دهد و سپس به بین داده‌ها برگشته و به دنبال مدرک، پیشامد و وقایع می‌گردد. پس از تدوین یک نظریه، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد فرآیند را به وسیله مقایسه آن با فرآیندهای موجودی که در پیشینه تخصصی او یافت می‌شود، اعتبارسنجی می‌کند. ارزیابی روایی نتایج تحقیق، بعد از جمع‌بندی قضیه‌های تحقیق و ارائه قضیه کلی به این صورت انجام می‌گیرد که مفاهیم، مقوله‌ها و ابعاد به ترتیب به کمک کدهای به دست آمده، حاصل از مراحل سه‌گانه کدگذاری، باز، محوری و انتخابی، مشخص شده‌اند که در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، خود نوعی اعتبار و روایی بخشی به تحقیق به شمار می‌رود (دانایی فرد و امامی: ۱۳۸۶، ۸۸). همچنین پژوهشگر حاصل کار گردآوری اسنادی را که در قالب کدگذاری‌ها و چهارچوب اولیه الگوی راهبردی تهیه کرده بود، با گروه تمرکز و مرکب از سه نفر از اساتید مطلع در میان گذاشت و آنان نیز به بررسی یافته‌ها و اظهار نظر در مورد آن‌ها پرداختند. در مرحله بعد نیز در قالب گروه توافق شامل اعضای گروه تمرکز و تنی چند از اساتید جامعه خبرگی و مسلط به محتوا و روش، مطالب مورد بررسی بیشتر قرار گرفته شد.

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

متن کاوی در بیانات و آثار و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با جست‌وجو در نرم‌افزار حدیث ولایت (تا زمان تهیه تحقیق) نشان می‌دهد رهبر معظم انقلاب در مجموع ۱۲۸۰ مرتبه به‌طور مستقیم به عبارت مصلحت و ۳۲۴ بار به مجمع تشخیص مصلحت

اشاره کرده‌اند. مجموع کلمات استفاده‌شده در مورد مصلحت و کلمات نزدیک آن عبارت‌اند از:

۱. مصلحت و کلمات هم‌خانواده از جمله مصالح، مصلحت، در مجموع ۱۲۸۰ بار.
۲. حفظ نظام و هم‌خانواده آن در مجموع ۱۱۴۴.
۳. سیاست‌های کلی و کلمات هم‌خانواده آن در مجموع ۱۰۹۲ بار.
۴. تشخیص اختلاف مجلس و شورای نگهبان و کلمات مترادف ۶۸۸ بار.
۵. مجمع و مجمع تشخیص مصلحت نظام ۳۲۷ بار.
۶. نظارت مجمع ۲۴ بار.
۷. مشاوره مجمع تشخیص به رهبری هشت بار.
۸. معضل و کلمات مترادف و هم‌خانواده آن از جمله معضلات نظام در مجموع دو بار.

جدول ۵: موارد مستخرجه از بیانات و مکتوبات امام خامنه‌ای (منبع محقق)

ردیف	کلمه	تعداد	ردیف	کلمه	تعداد
۱	مصلحت	۴۹۵	۷	سیاست‌های کلی (نظام)	۱۰۹۲
۲	مصالح	۳۰۹	۸	تشخیص اختلاف مجلس و شورای نگهبان	۶۸۸
۳	تراجم مصالح	۲۷	۹	نظارت مجمع تشخیص بر اجرای سیاست‌ها	۲۴
۴	حفظ نظام	۱۱۴۴	۱۰	مشاوره مجمع تشخیص به رهبری	۸
۵	مصلحت نظام	۴۴۶	۱۱	معضل (معضلات) نظام	۲
۶	مجمع (تشخیص) مصلحت نظام	۳۲۴	۱۲		

نتایج حاصل از مجموعه کدگذاری‌های روش مبنایی، استخراج منظومه‌ای از کدهای محوری یا مؤلفه مجمع عامل بن‌بست‌شکنی و ارتقادهنده کارایی نظام، شأن مستشاری مجمع برای رهبری، لزوم نظارت بر سیاست‌ها، کارایی مجمع با ارتقای ظرفیت کارشناسی، توجه اعضا به ظرافت تشخیص مصلحت، چابکی دبیرخانه و جدیت اعضا و تدوین سیاست‌های کلی متناسب نیازهای کشور بوده است:

جدول ۶: نمونه کدگذاری محوری ارکان سه‌گانه دکترین، اهداف و سیاست‌ها در اندیشه، تدابیر و

ابلاغیه‌های امام‌خامنه‌ای (منبع محقق)

شناسه	کدها	مفاهیم	مقوله	بعد
۷۳۱	۲۱۳+۲۱۴+۲۱۵ +۲۱۷+۲۱۸ ۲۱۹	پویایی و بن‌بست‌شکنی مجمع + بن‌بست‌شکنی مجمع و افزایش کارایی نظام + بن‌بست‌شکنی مجمع + بن‌بست‌شکنی مجمع و ثبات‌دهنده سیاست‌ها + تسهیل‌گر حرکت رو به جلوی نظام	مجمع عامل بن‌بست‌شکنی و ارتقادهنده کارایی نظام	دکترین
۷۴۱	۲۴۱+۲۴۳+۲۴۴ +۲۴۶+۲۴۷ ۳۵۱+۲۴۸	مجمع مستشار رهبری + شأن مشورتی مجمع برای رهبری + شأن مستشار رهبری مجمع + مجمع مظهر انسجام و هم‌افزایی نظام + مجمع جایگاه رفیع + مظهر خرد جمعی + تدارک سیاست‌ها به‌عنوان هندسه نظام	شأن مستشاری مجمع برای رهبری	اهداف
۷۵۳	۳۶۱+۳۶۲+۲۷۹ +۲۷۷+۲۷۳	فعال بودن اعضای مجمع + تأکید به اعضا در جدی گرفتن کار مجمع + پرهیز مجمع از جناح‌بندی‌ها + تدوین مستندات مصوبات مجمع	چابکی دبیرخانه و جدیت اعضا	سیاست‌ها

و در نهایت کدگذاری انتخابی مصلحت در آرا و نظرات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

عبارت است از:

جدول ۷: کدگذاری انتخابی مجمع تشخیص مصلحت نظام در آرا و نظرات مقام معظم رهبری

(منبع محقق)

شناسه	مؤلفه‌ها	ابعاد	قضیه
۹۰۱	مجمع عامل افزایش کارایی نظام با بن‌بست‌شکنی	دکترین	مجمع مستشار ظرفیت‌ساز حکمرانی در حکومت اسلامی با اصل مصلحت
۹۱۱	مجمع مستشار رهبری + مجمع جایگاه رفیع و عصاره اجتهاد و تجربه و مظهر انسجام و هم‌افزایی نظام	اهداف	مجمع نهاد مستقل در احراز مصلحت و مستشار رهبری در سیاست و معضل برای کارایی نظام
۹۱۲	تشخیص مصلحت در اختلاف مجلس و شورای نگهبان		
۹۱۳	نظارت مجمع		
۹۲۱	کارایی مجمع با تقویت کارشناسی و چابکی ساختار	سیاست‌ها	کارایی مجمع با ارتقای کارشناسی و چابکی ساختار و جدیت اعضا
۹۲۲	جدیت اعضا		

ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی استخراجی از یافته‌های تحقیق که در جدول زیر ارائه شده است، از طریق نشان دادن مجموعه‌ای از عناصر مرتبط با هم و نوع ارتباط میان آن‌ها، اصل و اساس پدیده مورد نظر و روابط میان اجزای آن را توصیف می‌کند و درک ماهیت روابط و تأثیرات عناصر بر هم را ممکن می‌سازد و علاوه بر تسهیل اداره امور، رعایت آن می‌تواند از بروز انحراف در فعالیت این نهاد جلوگیری می‌کند. همان‌گونه که در شکل ۳ نشان داده شده است، هسته درونی الگوی راهبردی ابعاد سه‌گانه دکترین، اهداف و سیاست‌گذاری را تعیین می‌کند.

جدول شماره ۸: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی اداره امور مجمع

تشخیص (منبع محقق)

محور مدیریتی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
دکترین	مجمع ارتقادهنده کارایی نظام با بن‌بست‌شکنی	پویایی و بن‌بست‌شکنی و گره‌گشایی مجمع، افزایش قدرت تحرک نظام با بن‌بست‌شکنی، مجمع وسیله پویایی بن‌بست‌شکنی و تحرک دائمی نظام، بن‌بست‌شکنی مجمع و ثبات‌دهنده سیاست‌ها، بن‌بست‌شکنی و پویایی و تثبیت انضباط کلی نظام، کمک به حرکت رو به جلوی نظام، بن‌بست‌شکنی مجمع موجب پویایی همیشگی نظام
اهداف	هدف مستشاری: مجمع مستشاری عالی رهبری	تدوین سیاست‌های کلی متناسب نیازهای کشور، مهم‌ترین کار مجمع فراهم کردن سیاست‌ها، توجه به زمان مفید این سیاست‌ها و در عین انعطاف‌پذیری، ثبات سیاست‌ها، تدارک سیاست‌ها به‌عنوان هندسه اساسی نظام و قوای سه‌گانه، شأن هیئت مستشاری عالی رهبری مجمع توجه مجمع به خصوصیات معضل
اهداف	هدف مستقل: تشخیص مصالح در مجمع	مصلحت در حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان، تشخیص مصالح، تشخیص مصالح در اختلاف مجلس و شورای نگهبان، شأن مستشاری مجمع برای رهبری، مجمع مظهر انسجام و هم‌افزایی نظام، مجمع جایگاه رفیع تعیین‌کننده و رهگشا، مظهر خرد جمعی و جایگاهی بسیار مهم، شأن هیئت مستشاری عالی رهبری مجمع
اهداف	هدف تفویضی: نظارت	نظارت بر اعمال سیاست‌های مصوب، لزوم توجه به نظارت بر سیاست‌ها، لزوم نظارت بر اجرای سیاست‌ها، ضرورت به بار نشستن آن در مدیریت کشور، طراحی سازوکار نظارت و استفاده از ظرفیت دستگاه‌ها

محرور مدیریتی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
سیاست‌ها	الزام کارایی مجمع با تقویت کارشناسی و چابکی ساختار	لزوم افزایش کارایی مجمع با تصحیح روش‌ها، تکمیل کارها و روش‌ها، لزوم ارتقای کارشناسی مجمع، لزوم ارتقای کارایی مجمع + هم‌افزایی مرکز و دبیرخانه مجمع، تدوین مستندات مصوبات مجمع، لزوم استفاده از فرآورده‌های کارشناسی دستگاه‌ها، افزایش کارشناسی، ارتقای ظرفیت کارشناسی، استفاده از فرآورده‌های کارشناسی نظام، مجمع مجموعه‌ای از فکر و اجتهاد و تجربه لزوم اتصال مجمع به بدنه کارشناسی و فکرها و ذهن‌ها و بدنه عملی کشور، چه دستگاه‌های دولتی، چه بخش‌های غیردولتی، لزوم برخورداری مجمع از دبیرخانه فعال، استفاده از کارشناسی عناصر مجرب و صاحب‌نظر، فعال بودن اعضای مجمع و حضور ذهن و پیش‌مطالعه کردن، تأکید به اعضا در جدی گرفتن کار مجمع، پرهیز مجمع از جناح‌بندی‌ها، تدوین مستندات مصوبات، لزوم آزادسازی ظرفیت‌های اعضا
	الزام فعال بودن اعضا و تدوین سیاست‌های کلی متناسب نیازهای کشور	پرهیز مجمع از جناح‌بندی‌ها در مجمع، لزوم تعامل دائمی مرکز تحقیقات استراتژیک و دبیرخانه مجمع، ضرورت به بار نشستن اقدامات مجمع در مبادی مدیریتی کشور

اولین لایه که مرکز الگو و هسته اصلی الگوی راهبردی تلقی می‌گردد، همان اصول و ارزش‌های مورد قبول است که در این تحقیق از آن به‌عنوان دکتربین یاد می‌شود. دکتربین درواقع اصول و ارزش‌های اعلامی ولایت‌فقیه است که مُحرک و برانگیزنده اندیشه‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌ها است و در قالب مجمع عامل بن‌بست‌شکنی و افزایش کارایی نظام دسته‌بندی می‌شوند. لایه دوم در الگوی حاضر نشانگر مجموعه اهدافی است که بر اساس نظام ارزشی و هنجارها و مطلوبات جامعه یا به عبارت بهتر دکتربین شکل می‌گیرند و خود مُحرک طراحی‌های بعد است که در قالب سیاست‌ها تبلور می‌یابند. بر اساس آنچه پیش‌تر بیان شد، اهداف به‌طور کامل منطبق بر اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده بوده و بر همین اساس هدف مستشاری در قالب مجمع مستشاری عالی رهبری، هدف مستقل تشخیص مصلحت در مجمع و هدف تفویضی نظارت دسته‌بندی می‌شوند. لایه سوم از الگوی

راهبردی نشانگر سیاست‌ها یا خط‌مشی‌هایی است که بر اساس اصول ارزشی به‌منظور دستیابی به اهداف باید مورد توجه قرار گیرند. این سیاست‌ها بخش‌های مختلف وظایف مدیران در حوزه‌های اجرایی سازمان را جهت می‌دهند. از این رو چنان که مشاهده می‌شود سیاست‌های استخراجی از داده‌های پژوهش را می‌توان معطوف به الزام کارایی مجمع با تقویت کارشناسی و چابکی ساختار و الزام برای فعال بودن اعضا و تدوین سیاست‌های کلی متناسب نیازهای کشور دسته‌بندی کرد.

همان‌گونه که در طی مراحل سه‌گانه کدگذاری نشان داده شده است، منطق کدگذاری‌های سه‌گانه، کشف مؤلفه‌های پنهان ارکان جهت‌ساز الگو بوده است. این مؤلفه‌ها که در نهایت با کدگذاری انتخابی نمایان شده‌اند، در بطن خود کدهای محوری یا همان کدهایی که از طبقه‌بندی کدهای باز (مفاهیم) حاصل شده‌اند را به همراه دارند.



شکل ۳: ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس اندیشه و

رویکرد امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هدف اصلی این پژوهش ارائه ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی اداره امور مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس اندیشه و رویکرد امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است که عبارت است از:

۱. دکتترین در قالب مجمع ارتقادهنده کارایی نظام با بن‌بست‌شکنی می‌باشد. به دیگر سخن مجمع تشخیص با کارکردهای خود در صحنه عملی کشور به تحقق اصل افزایش کارایی نظام در مقابل مسائل، مشکلات نوین و نیازهای جدید حکومت دینی در بحبوحه دنیای پرآشوب امروزی و اعتلای حکومت اسلامی در جهان می‌پردازد.

۲. اهداف که شامل هدف مستشاری، هدف مستقل و هدف تفویضی است. هدف مستشاری، آن دسته از کارویژه‌های مجمع را در برمی‌گیرد که مطابق قانون اساسی در آن‌ها مجمع نقش مشاور و مستشار عالی رهبری را بر عهده دارد و این نظرات تنها پس از تأیید رهبری نافذ و قانونی می‌باشد، از قبیل کمک به تعیین سیاست‌های کلی، رفع معضلات و نقش‌آفرینی در شورای بازنگری قانون اساسی، هدف مستقل آن دسته از کارویژه‌های مجمع را در برمی‌گیرد که مطابق قانون اساسی در آن‌ها مجمع نقش نهاد مستقل را دارد و نظر مجمع به‌خودی‌خود و بدون نیاز به تأیید رهبری نافذ و جاری و ساری می‌گردد که شامل تشخیص مصالح در مجمع در رفع اختلاف نظر فی‌مابین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نقش‌آفرینی در شورای موقت رهبری است. هدف تفویضی آن دسته از کارویژه‌های مجمع را در برمی‌گیرد که مطابق قانون اساسی، رهبری آن‌ها را به مجمع تفویض کرده است که هم‌اکنون نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی در این دسته اهداف جای می‌گیرد.

۳. سیاست‌ها که شامل الزام کارایی مجمع با تقویت کارشناسی و چابکی ساختار و الزام فعال بودن اعضا و تدوین سیاست‌ها بر اساس نیازهای کشور دسته‌بندی می‌شوند. در اصل مجمع برای رسیدن به اهداف خود نیازمند تحقق هرچه بیشتر تدابیر ولی‌فقیه در تقویت کارشناسی و فعال بودن اعضا دارد که این مهم نیازمند ساختاری چابک می‌باشد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای زیر برای دست‌اندرکاران اداره امور مجمع تشخیص مصلحت نظام و علاقه‌مندان به انجام تحقیقات در این زمینه ارائه می‌شود. ابتدا لازم است مسئولان مجمع قبل از هرگونه اقدام، دکترین، اهداف و سیاست‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را نصب‌العین قرار داده و بر آن اساس اقدام نمایند. با استفاده از نتایج این تحقیق می‌توان تصویب و اجرای چندین سیاست اجرایی را به سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان اداره امور مجمع پیشنهاد داد:

۱. ایجاد و تقویت ساختار متمرکز جهت نظارت راهبردی مجمع و توجه به برون‌سپاری و استفاده از ظرفیت‌های موجود نظارتی در کشور.

۲. بازنگری‌های دوره‌ای در فرآیندها، روش‌ها و ساختارهای مجمع و مأموریت‌های محوله و اطمینان از فعالیت‌های مجمع در چهارچوب تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی).

۳. بازطراحی ساختار و تجمیع واحدهای موازی طراحی ساختار چابک منسجم و حرفه‌ای مجمع.

همچنین انتساب مجمع به ولایت فقیه، ضرورت کوشش در جهت ارتقای کارایی این نهاد و انطباق علمی آن با مقتضیات نوین را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. بدیهی است تحقق چنین امری در گرو مشارکت وسیع نخبگان، انجام تحقیقات نوین، طراحی و تدوین راهکارهای نو برای مواجهه با مسائل جدید و بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنوع کشور است. در نتیجه برای تکمیل تحقیقات پیشنهاد می‌شود انجام مطالعات پیرامون موضوعات زیر در دستور کار قرار گیرد:

۱. طراحی و تقویت فرآیندهای نظارت بر اجرا و چشم‌انداز به جهت ضرورت به بار نشستن سیاست‌های کلی در مدیریت کشور.

۲. طراحی فرآیندهای هم‌افزایی ارکان مجمع به صورت یک پیکره واحد.

۳. طراحی و تقویت فرآیندهای تعامل با دستگاه‌های نظام جهت احصای نیازهای سیاستی کشور.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- ارسطا، محمدجواد، (۱۳۸۰)، تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه فقهی - حقوقی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- اشتریان، کیومرث، (۱۳۸۷)، بازتعریف نقش نهادهای سیاست‌گذار در جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون تلفیق و هماهنگی و موارد خاص دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح، (۱۳۸۵)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- الوانی، سید مهدی، (۱۳۸۶)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چاپ دوازدهم، تهران، سمت.
- امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات و آثار از نرم‌افزار حدیث ولایت و نیز در www.khamenei.ir
- امجد، محمد، (۱۳۸۸)، سیاست و حکومت در ایالت متحده، چاپ پنجم، تهران، سمت.
- پالوج، مجتبی، (۱۳۹۱)، رساله طراحی الگوی مناسب برای تدوین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران دانشگاه عالی دفاعی ملی، تهران.
- پیرس و رایبسون، (۱۳۷۷)، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، چاپ اول، تهران، انتشارات یادواره کتاب.
- حمیدی نیا، حسین، (۱۳۸۲)، ایالات متحده آمریکا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، چاپ اول.
- خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، گفتمان مصلحت در پرتو شریعت و حکومت، قم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سید مجتبی، (۱۳۸۶)، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم.
- دهقان، کاوه، (۱۳۵۲)، تولستوی، لئون؛ هنر چیست؟، تهران، امیرکبیر.
- دهقان چکامی، حمید، (۱۳۸۸)، رساله دکتری جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفری در ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- رحمانی، محمد، (۱۳۹۰)، مبانی فقهی و اصولی مجمع تشخیص مصلحت نظام، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، سال شانزدهم، شماره اول، ص ۴۵.
- رضائیان، علی، (۱۳۸۶)، مبانی سازمان و مدیریت: انتشارات سمت، چاپ دهم.
- سیدجوادی، رضا و اسفندی، محمدرحیم، (۱۳۸۹)، تئوری‌سازی داده‌بنیاد، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- شعبانی، قاسم، (۱۳۸۶)، حقوق اساسی و ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران، چاپ بیست‌وهفتم، اطلاعات تهران.

- صالح اصفهانی، اصغر، (۱۳۸۷)، الگوی مدیریت راهبردی نیروهای مسلح، رساله دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صلیبا، جمیل، (۱۳۷۰)، واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی، کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طلوعی، محمود، (۱۳۷۲)، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، علم و سخن.
- عباس‌زادگان، محمد و ترک‌زاده، جعفر، (۱۳۸۸)، نیازسنجی آموزشی در سازمان‌ها، شرکت سهامی انتشار.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، جلد اول، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، چاپ دوم، تهران، ابرار معاصر.
- عطار، سعید، (۱۳۸۷)، مطالعه تطبیقی سیاست‌های کلی، ایالات متحده آمریکا، شماره مسلسل ۹۰۵۱، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی.
- علی‌اکبری، حسن، (۸۹-۱۳۸۸)، سیاست‌های کلی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در دوره حکومت، کمیسیون تلفیق و هماهنگی و موارد خاص دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- فقیه، محمداقبر، (۱۳۸۴)، جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام کجاست؟، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد، شماره ۳۶، ص ۳۴.
- کریم‌زاده، م کالینز، جان، (۱۳۸۳)، استراتژی بزرگ، مترجم، کوروش بایندر، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- لطفی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، صحیفه‌النبی (ص)؛ نماد قانون‌گرایی در حکومت نبوی، فصلنامه علمی-پژوهشی کتاب قیم، سال اول، شماره اول، ص ۲۸۹.
- لغت‌نامه دهخدا، (۱۳۸۹)، گنجینه جامع و منحصر به فرد لغت و ادب فارسی، نشر دانشگاه تهران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۷۳)، بررسی مرجع تدوین سیاست‌های کلی چند کشور، گزارش ش مسلسل ۸۹۶۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۷۳)، بررسی مفهوم مصلحت در قانون اساسی چند کشور منتخب، گزارش ش ۱۴۰۰۵۸۴، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران.
- منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۵)، مصلحت از دیدگاه امام خمینی (ره) و اندیشمندان غربی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۲.
- منصوریان، یزدان، (۱۳۸۶)، نظریه مبنایی و کاربرد آن در تحقیق، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، دانشگاه تربیت‌معلم، سال ۱۹، شماره ۹، ص ۱۲.
- مهربانی، امیرحمزه؛ خنیفر، حسین؛ امیری، علی‌نقی؛ زارعی‌متین، حسن و جندقی، غلام‌رضا، (۱۳۹۰)، معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۲۳، ص ۴۵.
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، حقوق اساسی ج.ا.ایران، ج ۲، وظایف و اختیارات مجمع تهران، میزان.
- وحید، مجید، (۱۳۸۳)، سیاست‌گذاری عمومی، چاپ اول، تهران، میزان.

ب. انگلیسی

- Bricklan, Thomes A,(2002), **An Introduction to the Policy Process**, Armonk, Noram. E. Sharpe.
- Dror, Y, (1998), **Public Policymaking reexamined**, Sanfrancisco: Chandler.
- Dye, Thomas, (2001), **Top Fown Policymaking**, New York; Seven Br: dges Pres
- Fry L. Fred and Stoner R. Charles. (1995), **Strategic Planning for the new and small business**. Upstart publishing company.
- Powell, R. (1999), “**Recent trends in Research: a Methodological Essay**”, Library & Information Science Research 21(1): pp. 91-119.
- Strauss, Anselm & Corbin, Juliet (1998), **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**, 2nd Ed., Sage.

